



پرخاشگری، مانع مردم داری / چرا نسبت به همدیگر پرخاشگر باشیم

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: حیف است ما که مسلمانیم و دین ما دین رحمت و رأفت و پیامبر ما پیامبر عفو و مهربانی است...

درس اخلاق آیت الله مظاهری؛

پرخاشگری، مانع مردم داری / چرا نسبت به همدیگر پرخاشگر باشیم

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: حیف است ما که مسلمانیم و دین ما دین رحمت و رأفت و پیامبر ما پیامبر عفو و مهربانی است و چنین امامان و پیشوایانی داریم که ظلم دشمنان سرسخت خود را با نیکوکاری و عطوفت پاسخ می‌دهند، نسبت به همدیگر پرخاشگر باشیم و از این جهت مورد شماتت بیگانگان واقع شویم. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در چند جلسه گذشته مطالبی راجع به فضیلت عفو و گذشت؛ بیان کردند. در این جلسه به تکمیل شرح فضیلت عفو و تأثیر آن در مردم داری می‌پردازند.

جزای بد رفتاری، بد رفتاری یا نیکی؟

در جلسه گذشته ضمن شرح مراتب عفو بیان شد که از دیدگاه قرآن شریف، والاترین مرتبه عفو، این است که انسان بد رفتاری دیگران را با رفتاری نیکو پاسخ دهد: [171]؛ اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السِّيئَةِ [1]؛

قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: [171]؛ وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ [2]؛ معنای آیه شریفه این است که: جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که بگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر عهده خداوند است، به راستی او ظالمان را دوست نمی‌دارد.

طبق نظر مفسرین، این آیه، جواز قصاص و مقابله به مثل در جنایت و خیانت، (البته با اذن حاکم شرع) را می‌رساند. اما گویا آیه شریفه، حاوی یک نکته ظریف اخلاقی و مشوق به کار بستن فضیلت شیرین عفو و بخشش است. در واقع، طبق این آیه و نیز بر اساس آیات دیگری که در مراتب عفو بیان شد، قرآن کریم به بندگان می‌فهماند که اگر در پاسخ به بد رفتاری دیگران، رفتاری به همان بدی، نشان دهید، شما هم مانند آنها بد هستید. یعنی انسان نیکوکار، کسی است که در مواجهه با بد رفتاری دیگران، نیکی کند یا دست کم با سکوت خود، از او بگذرد.

در آیه دیگر، در بیان علامت‌های بندگان حقیقی خداوند می‌فرماید: [171]؛ وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا [3]؛ یعنی انسان با فرهنگ و مؤمن باید در رویارویی با اشخاص بی‌فرهنگ و بی‌ادب که به جای سلام و احترام، او را مسخره می‌کنند، به آنها خوبی کند و با رفتار متین و با وقار خود، کاری کند که آن افراد خجالت بکشند و دست از کارهای زشت خود نظیر پرخاشگری و تمسخر بردارند

پرخاشگری، مانع مردم داری

پرخاشگری، در اثر فقدان عفو و گذشت پدید می‌آید و هنگامی رخ می‌دهد که انسان صبر و سعه صدر نداشته باشد. متأسفانه در دنیای روز، همه به اندازه توان پرخاشگری می‌کنند. آنچه مایه تأسف بیشتر است، اینکه در خانواده‌ها هم پرخاشگری رایج شده و جوانان راجع به پدر و مادر و در برابر سایر اعضای خانواده پرخاشگری دارند که گناه آن خیلی بزرگ و گاهی در سر حد کفر است.

پرخاشگری بالاترین عامل برای محو محبت به شمار می‌رود و در حقیقت، نشاط اجتماعی و خانوادگی را از بین می‌برد. زیرا جامعه و خانواده‌ای که محبت در آن نباشد، غیر از دردسر چیزی نیست. امروزه در جامعه و در خانواده‌ها در اثر فقدان عفو، گذشت، ایثار و فداکاری، محبت واقعی بسیار کمیاب است و مخصوصاً بین زن و شوهرها، پرخاشگری جایگزین خوش اخلاقی و مهربانی شده است.

متأسفانه چون معمولاً مردم در اثر گرفتاری‌ها ضعف اعصاب پیدا کرده‌اند، خواه ناخواه پرخاشگری دارند و در صورت بروز مسائل جزئی، داد و فریاد می‌کنند. اتفاقاً همین پرخاشگری و تندی، ضعف عصب آنها را بیشتر می‌کند.

غیبت و تهمت، حاصل دوری از عفو و گذشت

وقتی عفو و گذشت در بین افراد جامعه نباشد، حس انتقام در آنان زنده می‌شود و حاصل آن، غیبت، تهمت و شایعه سازی است. اتهام‌های ناروا یا شایعاتی که راجع به اشخاص در برخی از سایت‌های اینترنتی یا روزنامه‌ها منشر می‌شود، از انتقام‌جویی گردانندگان آن رسانه‌ها سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر چون نمی‌توانند رو در رو انتقام‌گیری پرخاشگری کنند، غیبت می‌کنند، تهمت می‌زنند، شایعه می‌سازند و آن را منتشر می‌کنند و حتی اگر بتوانند، زخم زبان می‌زنند.

تصوّر نکنید گناه این کردار زشت و ناپسند، کوچک است، بلکه به اندازه‌ای گناه آن بزرگ است که قرآن می‌فرماید: [#171;وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ](#)؛ وای به کسی که زخم زبان می‌زند و پرخاشگر است، وای به کسی که غیبت می‌کند و بدی دیگران را می‌گوید. راجع به تهمت هم می‌فرماید: گمان می‌کنید قضیه ساده است، در حالی که نزد خداوند بسیار بزرگ است: [#171;تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ](#)؛

معانی ویل در قرآن کریم

ویل در قرآن کریم دو معنا دارد: یک معنا، طبق روایات، این است که چاهی به نام ویل در جهنم وجود دارد و برخی در اثر اعمال خود به درون آن می‌افتند. معنای دیگر ویل، کاربرد واژه [#171;وای](#)؛ در فارسی را دارد. نظیر اینکه در زبان فارسی به افراد بدکار گفته می‌شود: [#171;وای بر تو](#)؛ قرآن هم می‌فرماید: وای به تو از اینکه پرخاشگر هستی، در رو زخم زبان می‌زنی و پشت سر غیبت می‌کنی.

مسلمانان باید دوست و خیرخواه یکدیگر باشند، وگرنه بین آنان تفرقه ایجاد می‌شود و مفساد فراوان دیگری در پی دارد. از این جهت قرآن کریم مسلمانان را از آنچه موجب تفرقه می‌شود، با جمله تنبیهی [#171;وای بر تو](#)؛ بر حذر می‌دارد.

بخشش و نیکی، در برابر شکایت و انتقاد بی‌جا

در تاریخ آمده است که از فرماندار حمص [6] به مرکز حکومت اسلامی شکایت بردند که او روزها دیر از منزل بیرون می‌آید، شب‌ها در محل کارش نیست و روزهای جمعه از خانه خارج نمی‌شود. از طرف حکومت، او را به مدینه احضار کردند و به او گفتند که طوماری علیه تو با چنین مطالبی آمده، آیا جوابی برای آنها داری؟!

او شکایات را پذیرفت و گفت: آنها تهمت نزده‌اند، ولی من در مقابل هر کدام از آنها جوابی دارم که بیان می‌دارم و شما قضاوت نمایید. تأخیر صبح‌ها به خاطر این است که ما کنیز نداریم و پختن نان در خانه به عهده من است و هر روز صبح قبل از خروج از خانه نان می‌پزم. اما اینکه شب‌ها پیدایم نیست، به جهت آن است که من شبانه روزم را بین خدا و بندگانش قسمت نموده‌ام، روزها را برای خدمت به خلق گذارده‌ام و شب‌ها را برای عبادت الهی و اگر من در شب‌ها به راز و نیاز با پروردگارم نپردازم و از او نیرو نگیرم، نمی‌توانم آن‌طور که شایسته بندگان اوست، در روز خدمت‌گزار باشم. در خصوص ایراد سوّم نیز پاسخ داد که من به غیر از این لباسی که پوشیده‌ام، لباس دیگری ندارم. روزهای جمعه که به حمام می‌روم، همسرم لباسم را می‌شوید و نمی‌توانم از خانه خارج شوم.

با شنیدن پاسخ مستدل و منطقی فرماندار، نه تنها ایرادی بر او وارد نداشتند، بلکه به عنوان قدردانی از وی، مبالغ قابل توجهی پول به او جایزه دادند و او به حمص برگشت.

حال از این فرماندار انتظار می‌رود که موقع بازگشت به شهر محل حکومت خود چه برخوردی با مردم داشته باشد؟ آیا مردم منتظر نبودند که با آنان پرخاشگری و تندی کند و بر آنها به جهت انتقاد و شکایت از او سخت بگیرد؟ اما او به جای سخت‌گیری و پرخاشگری، نه تنها آنان را بخشید و بر انتقاد آنها خرده نگرفت، بلکه پول‌هایی که به شخص او جایزه داده بودند، به مسجد برد و اعلام عمومی کرد که مقداری پول غیر بیت المال و شخصی نزد من است، هر که نیاز دارد، بیاید. سیل فقرا و ضعفا به مسجد سرازیر شد و او به همه آنان کمک کرد. مقدار کمی پول برای او باقی ماند. او عازم منزل شد و ما وقع را برای همسرش بازگو کرد.

همسرش به او گفت: خوب است با این مقدار پول کنیزی بخریم تا هم برای من همکار خانه باشد و هم تو از نان پختن در خانه آسوده شوی. اما فرماندار گفت: صبر کن، شاید کار لازم‌تری پیش آید.

اتفاقاً چند روز بعد شخصی مقروض به درب خانه فرماندار مراجعه کرد و اظهار داشت که زمان ادای قرض من فرارسیده و من از پرداخت آن عاجزم. فرماندار فوراً پول‌ها را برای او آورد و بعد از همسرش پرسید: راستی به نظر تو آیا این کار بهتر بود یا آن؟ حالا اگر همکاری نباشد، خودمان می‌توانیم با هم کارهای خانه را انجام بدهیم، و خانم فهمیده اش اظهار داشت که واقعاً، این کار بر پیشنهاد من مقدم بود و برتری داشت.

با این وصف، آیا می‌توان عفو و گذشت آن استاندار را با پرخاشگری و کینه‌توزی در جامعه فعلی سنجید؟ او نه تنها شکایت مردم را به روی آنها نیاورد، بلکه مبالغ‌اهدایی که به خودش تعلق داشت را بین همان مردم تقسیم کرد. مسلمان واقعی باید چنین باشد و به دستورات قرآن و عترت عمل کند.

بخشش و بزرگواری امام حسن مجتبی‌#171«راquo«

روزی شخص بی‌ادب و رذلی به امام حسن مجتبی‌#171«راquo« رسید و به ایشان اهانت و جسارت کرد. امام#171«راquo« به او فرمودند: چرا عصبانی هستی؟! اگر خانه نداری به خانه من بیا و اگر رنجی داری، بیا تا من رنج تو را رفع کنم، اگر خسته‌ای و مسافری، بیا در خانه ما استراحت کن و بالاخره او را به خانه خود بردند. او هم خجالت کشید و یک شیعه حسابی شد و رفت.

اساساً سیره امام دهم و سایر ائمه طاهری#171«راquo« چنین بوده است که در برابر پرخاشگری و بدی دیگران، نه تنها سکوت، بلکه نیکی می‌کرده‌اند و این سیره باید سرمشق زندگی همگان باشد.

عفو و نیکوکاری امام سجاد#171«راquo«

حاکم مدینه در زمان حکومت عبدالملک مروان رفتار ناپسند و ظالمانه‌ای با امام سجاد#171«راquo« داشت و طبق گواهی تاریخ، آزار و اذیت او به قدری بود که امام#171«راquo« در جلسهای فرمودند: #171«دل من را خون کردی«راquo«. بالأخره ظلم و بدی او دست و پا پیچ خودش شد و او را به صورت بدی عزل کردند. علاوه بر عزل، دستور دادند او را به درخت ببندند و مردم و کسانی که از دست او عصبانی هستند، آب دهان به صورتش بیندازند.

در آن هنگام، امام سجاد#171«راquo« به سراغ او رفتند و دست تلافی روی شانه او زدند و فرمودند: نمی‌توانم برای تو کاری انجام دهم، ولی به عبدالملک مروان نامه نوشتم و از او خواستم که تو را عفو کند. انشاء الله نامه به زودی می‌رسد و او تو را می‌بخشد.

ضرورت پیروی از سیره معصومین#171«راquo« در کسب فضائل اخلاقی

بحمدالله شیعیان از نظر اعتقاد و شعار، وضعیت مطلوبی دارند، اما در عمل، پیروی کافی از دستورات قرآن و سیره اهل بیت#171«راquo« ندارند. مثلاً مؤمنین مشتاق زیارت بقیع هستند، اما آیا به همان اندازه در پیروی از ائمه بقیع اشتیاق دارند؟ تشرف به بقیع و گریه برای غربت اهل بیت#171«راquo« خوب است، اما انسان باید از نظر عمل هم شباهت به معصومین#171«راquo« پیدا کند.

شیعیان باید در گفتار و کردار خود، در نماز و عبادت، در عمل به قانون مواسات و در اجتناب از گناه، شبیه اهل بیت#171«راquo« باشند. همچنین در کسب فضائل اخلاقی و عمل به آن، از جمله در عفو، گذشت، ایثار و فداکاری، باید تابع آن ذوات مقدس باشند.

رابطه ایمان و عمل صالح

اساساً از منظر قرآن کریم، ایمان، به تنهایی کاربرد ندارد. از این رو، قرآن کریم، همواره با جمله #171«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ«راquo«، برخورداری از ایمان و عمل صالح را به صورت توأمان از مسلمانان می‌خواهد. این آیات نورانی، رستگاری و سعادت دنیا و آخرت را در گرو ایمان و عمل صالح بر می‌شمرد.

بر این اساس، اعتقاد به تشیع، اگرچه برای رستگاری لازم است، اما کافی نیست و باید با عمل صالح و با پیروی از سیره عملی معصومین تکمیل گردد.

پرخاشگری، عامل شماتت بیگانگان

تقاضا دارم پرخاشگری را کنار بگذارید. چرا جامعه اینقدر پرخاشگر شده است؟ چرا در خانه‌ها و مجالس، پرخاشگری زیاد است؟ چرا در کوچه و خیابان مردم نسبت به هم تندی و پرخاش دارند؟

حیف است ما که مسلمانیم و دین ما دین رحمت و رأفت و پیامبر ما پیامبر عفو و مهربانی است و چنین امامان و پیشوایانی داریم که ظلم دشمنان سرسخت خود را با نیکوکاری و عطوفت پاسخ می‌دهند، نسبت به همدیگر پرخاشگر باشیم و از این جهت مورد شماتت

ننگ است آن کسانی که خود در دنیا اقدام به کشتار مسلمانان می‌کنند و در این باره خشونت دارند، محبت بین خودشان را به رخ ما بکشند و به ما بگویند شما ایرانی‌ها با هم خوب نیستید.

ما باید نسبت به همدیگر تولی و نسبت به بدخواهان تبری داشته باشیم. قرآن کریم می‌فرماید:

171#; يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ[7&[raquo;

می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما که از دین خویش برگردد، زود باشد که خداوند گروهی را بیاورد که ایشان را دوست دارد و ایشان او را دوست دارند، با مؤمنان مهربان و فروتنند و بر کافران سخت می‌گیرند.

این آیه یکی از معجزات بزرگ قرآن کریم و مربوط به ایرانی‌ها است. در واقع قرآن می‌فرماید: یا رسول الله! سقیفه بنی ساعده پیش می‌آید و همه چیز را تغییر می‌دهد، اما ملتی به جای سقیفه بنی‌ساعده می‌آیند که در برابر همدیگر متواضع و در برابر دشمن، عزت‌مند هستند. پیامبر اکرم دست روی شانه سلمان گذاشتند و فرمودند: اینها می‌آیند و چنین صفتی دارند.

برخی از مظاهر دوری از قرآن و عترت در جامعه

چرا ما باید با این آیه شریفه و با این توصیف پیامبر اکرم#171#«#ص; از ایرانی‌ها، فساد اداری داشته باشیم! چرا برخی کارمندان به مردم اهانت و پرخاش می‌کنند؟ چرا به حوائج مردم رسیدگی نمی‌کنند؟ قاعده امیرالمؤمنین#171#«#ع; در دکه القضاء این بود که هنگام مراجعه مردم و بیان مشکل، فوراً به درخواست آنها رسیدگی می‌کردند.

اما در جامعه فعلی به جای رسیدگی به مشکلات مردم، فساد اداری داریم. فساد اداری و تأخیر در رسیدگی به مشکلات مردم، علامت آن است که بسیاری از افراد با همدیگر خوب نیستند و رأفت و مهربانی مورد نظر اسلام، بین آنان حاکم نیست.

اگر مردم همدیگر را دوست داشتند و نسبت به هم مهربان بودند، به قانون مواسات عمل می‌شد و فقیر در جامعه نداشتیم. چرا مردم به فکر پسر و دختر خود در هزینه و خرید خانه هستند، ولی به فکر پسر برادر یا دختر خواهر یا سایر اقوام خویش نیستند؟ چرا به فکر همدیگر نیستند؟

اگر مردم نسبت به یکدیگر رحم داشتند، فساد اخلاقی نداشتیم و برخی زنان و دختران جامعه، در مقابل مردان و پسران، مراعات حجاب را می‌کردند. جوان مجرد که ازدواج او مانع دارد، با دیدن وضعیت اسفناک خانم‌ها دلش متلاطم می‌شود و این، ظلم به او است. اگر این خانم‌ها رحم و انصاف داشتند و نسبت به افراد جامعه مهربان بودند، با وضعیت بد خود، جوان سر تا پا شهوت را آزار نمی‌دادند.

اگر جامعه به قوانین اسلام پایبند بود، جوانی که خانه و امکانات تجملی ندارد، مجرد نمی‌ماند و حتماً همه دست به دست هم می‌دادند و دختران و پسران مجرد را برای ازدواج یاری می‌کردند. دست کم با وضعیت ظاهری تحریک کننده، به تحریک شهوت جوانان دامن نمی‌زدند.

افراد بی‌حجاب و بدحجاب تصور نکنند مرتکب گناه کوچکی شده‌اند، بلکه آنان با رفتار زشت خود مرتکب حقّ التّاس می‌شوند و گناه آن بسیار بزرگ است. اگر مهربانی و عاطفه را مجسم کنند، یک خانم می‌شود، اما معلوم نیست صفات نیکویی انسانی و عاطفه افراد بدحجاب کجا رفته است که با بی‌رحمی به افراد مجرد ظلم می‌کنند! آیا فکر نمی‌کنند با ظاهر فریبنده خود چقدر پسران مجرد که امکان ازدواج ندارند را اذیت می‌کنند؟ آیا به عاقبت شوم رفتار خود فکر نمی‌کنند؟

پی‌نوشت‌ها

=====

2. شوری / 40

3. فرقان / 63

4. همزه / 1

5. نور / 15

6. یکی از شهرهای سوریه فعلی.

7. مائده / 54